



دو سخن حکیمانه از اسکندر و انوشیروان در یک بیت از مثنوی معنوی

وحید سبزیان پور
عضو هیئت علمی دانشگاه رازی
wsabzianpoor@yahoo.com

مثنوی عصاره فرهنگ‌ها و تمدن‌های بشری است، تعلق به همگان دارد، مرزهای زمان و مکان را شکسته، منحصر به یک یا دو فرهنگ محدود نیست. به همین سبب، مطلوب طبع عام و خاص شده، نه تنها فارسی‌زبانان که در میان بیگانگان هم دلباختگان و شیفتگان فراوان دارد. یکی از رموز این مقبولیت، ذهن وقاد مولوی است که تاریخ و عرفان و ادب و معارف دینی و ملی را همه با هم پیوند زده، آنها را در مثنوی گردآورده است. در این میان سخنان حکیمانه را در برخی ابیات، چنان فشرده کرده که گویی هر بیت صندوقچه‌ای گران‌بها و پرگوهر از خرد و معرفت بشری است.

در این مقال، از باب مشت نمونه خروار، با بررسی یک بیت از مثنوی نشان می‌دهیم که اطلاعات جلال‌الدین بلخی از تاریخ و معرفت بشری تا چه اندازه گسترده بوده و قدرت بیان و تعبیر او در قالب یک بیت کوتاه در چه حدی از کمال است. ملای رومی در بیت بالا، علاوه بر تلمیح به دو حادثه

تاریخی، دو سخن ماندگار از انوشیروان و اسکندر را با یک مضمون و ایجازی شگفت، به شکلی کم‌نظیر و بی‌مانند در یک بیت جمع کرده است:

شعله را ز انبوهی هیزم چه غم

کی رمد قصاب ز انبوهی غنم

(مولوی، ۱۳۷۵: ۱۴۹)

مصراع اول، ترجمه سخنی حکیمانه از انوشیروان به سیف بن زبیر پادشاه یمن است^۱، داستان به روایت کتاب لطائف الطوائف:

چون پادشاه حبشه سیف ذی یزن را که ملک یمن بود از یمن بیرون کرد، پناه به انوشیروان برد و از او مدد خواست، انوشیروان سه هزار مرد به مدد او نامزد کرد، گفت ای کسری سه هزار مرد با پنجاه هزار مرد چگونه مقاومت کند؟ کسری گفت: کثیر الحطب یکفیه قلیل النار یعنی هیزم بسیار را آتش اندک کفایت است. (علی صفی، ۱۳۹۲: ۷۹)

منبع علی صفی با توجه به تقدم زمانی، کتب عربی بوده است:

قال سیف بن ذی یزن لأنوشیروان: أیها الملك أين تقع ثلاثة آلاف من خمسين ألفا، فقال: يا عربي، کثیر الحطب یکفیه قلیل النار: سیف بن زبیر به انوشیروان گفت: شاهها سه هزار نفر کجا؟ پنجاه هزار نفر کجا؟ انوشیروان گفت: ای عرب هیزم بسیار را آتش اندکی بس است. (ثعالبی، بیتا: ۶۸/۱؛ زمخشری، ۱۴۱۲: ۹۸/۴؛ ابن حمدون، ۱۴۱۷: ۴۷۲/۲).

در امثال و حکم دهخدا ضرب المثل‌هایی دیده می‌شود

۱ برای اطلاع از داستان لشکرکشی ایرانیان در دوره ساسانی به یمن و دفع حبشی‌ها نک: برگ نیسی، ۱۳۶۸: ۱۳-۶۰۷.

طریق منابع عربی امکان‌پذیر است.

فهرست منابع

الف. کتابها

- ابن حمدون، محمد بن الحسن بن محمد بن علی، (۱۴۱۷)؛ التذكرة الحمدونية، دار صادر، بیروت.
- ابن فاتک، ابوالوفاء المبرشر (۱۹۸۰)؛ مختار الحكم والمحاسن الکلم، حققه وقدم له وعلق عليه: عبدالرحمن بدوی، بیروت: المؤسسة العربية.
- ثعالبی نیشابوری، ابومنصور (بی تا)؛ الاعجاز والایجاز، بغداد: مكتبة دارالبيان.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۵۲)؛ امثال وحکم، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم.
- زمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمر (۱۴۱۲)؛ ربیع الأبرار و نصوص الأخبار، تحقیق عبد الأمير مهنا، بیروت، لبنان، منشورات مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- ضیاء، سید اسماعیل (۱۳۸۶)؛ فرهنگ امثال و حکم، فارسی و انگلیسی، انتشارات سخن.
- علی صفی، فخر الدین (۱۳۹۲)؛ لطائف الطوائف، بررسی سرچشمه‌های داستان‌ها و سخنان حکیمانه در منابع عربی، شرح و توضیح سبزیان پور، وحید و حدیث دارابی، انتشارات یار دانش.
- مولوی، جلال الدین محمد بلخی (۱۳۷۵)؛ مثنوی معنوی، تصحیح و تنظیم نیکلسن، مقدمه مهدی آذر یزدی، تهران: پژوهش.
- ب. مجله
- برگ نیسی، کاظم (۱۳۶۸)؛ «ابناء»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج دوم، ص ۶۱۳-۶۰۷

که هم مضمون با سخن انوشروان هستند:

آتش اگر اندک است حقیر نباید داشت (ص ۱۶)
فُزِبَ جزوة نار احرقت بلداً: چه بسا جرعه آتشی که یک

شهر را می‌سوزاند (ص ۱۱۳۵)

هست سرمایه احراق جهانی شرری (ص ۱۹۸۰)

همیشه بسیار را شراره‌ای کافی است (ص ۲۰۲۱)

یک شعله بس است خرمنی را (ص ۲۰۴۷)

مصراع دوم بیت مولوی، ترجمه جمله‌ای منسوب به

اسکندر است، نقل از کتاب لطائف الطوائف:

چون اسکندر متوجه حرب دارا شد، دارا بوی نوشت: «ان

دارا فی ثمانین الفا»: بدرستی که دارا در میان هشتاد هزار

مرد است و با این سخن خواست که اسکندر را بترساند،

اسکندر در جواب او نوشت: «ان القصاب لا تهوله كثرة

الغنم»: بدرستی که قصاب را در هول نیفکند بسیاری

گوسفند. (علی صفی، ۱۳۹۲: ۸۵)

علی صفی مطلب بالا را از منابع عربی نقل کرده است:

نک: (ثعالبی، بی تا: ۳۹) و (ابن فاتک، ۱۹۸۰: ۲۴۴)

مولوی در جایی دیگر گفته است:

گوسفندان که بروند از حساب

ز انبهی شان کی بترسد آن قصاب

(مولوی، ۱۳۷۵: ۵۲۳)

بعید نمی‌نماید که این ضرب‌المثل انگلیسی، از سخنان

اسکندر و فرهنگ یونان باستان به فرهنگ اروپایی نفوذ کرده

باشد: (ضیاء، ۱۳۸۶: ۳۳۴)

One butcher does not fear many sheep.

یک قصاب از تعداد بسیار گوسفند نمی‌ترسد.

دهخدا ضرب‌المثل زیر را از کتاب عقد العلی بدون هیچ

توضیحی نقل کرده است:

قصاب از گوسفند بسیار نترسد. (دهخدا، ۱۳۵۲: ۱۱۶۰/۲)

فردوسی نیز گفته است:

که شیری نترسد ز یک دشت گور

نتابسد فراوان ستاره چو هور

(نقل از پیشین: ۱۰۴۷/۲)

آنچه جای تأمل دارد اینکه ریشه‌یابی بسیاری از

مضامین ادب فارسی و فرهنگ ایرانیان باستان فقط از

گزارش